■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۶۸۱ ■ دوشنبه ■ ۲۸ تیر ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه همشهری

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۲۰/۳۹ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۰ | اذان صبح فردا ۴/۲۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۳

سخن روز

امام علی علیه السلام: بزرگوار، نیکوکاری های خود را بدهی به گردن خود می داند که باید بپردازد وفرومایه، احسان های گذشته خود را بدهی به گردن دیگران می داند که باید پس بگیرد.
غررالحکم، ح ۲۰۳۱ و ۲۰۳۲

عبدالکریم جربزه‌دار: جایگزینی برای زنده یاد بدره‌ای نیست

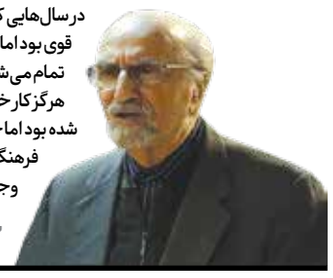

در سال‌هایی که با زنده یاد فریدون بدره‌ای همکاری کردم حساسیت او نسبت به یک کار را عمیقاً درک کردم، ادبیات او بسیار قوی بود اما در عین حال برای همه قابل درک به نظر می آید. بدره‌ای در انتخاب کتاب‌ها بسیار حساس بود وقتی ترجمه‌اش تمام می‌شد کتاب را کنار می گذاشت و پس از مدتی دوباره آن را مطالعه می کرد تا بتواند ویرایش دقیقی انجام بدهد. او هرگز کار خود را با انتشار کتاب، تمام شده در نظر نمی گرفت. او در سال‌های اخیر کسالت داشت و رفت و آمد برایش سخت شده بود اما جانش همیشه روشن و پویا بود. بدره‌ای از کسانی بود که برای ایران، از هیچ چیز دریغ نمی کرد و تلاشی جدی برای فرهنگ و ادب این سرزمین در پیش گرفته بود. واقعاً از دست دادن بدره‌ای اتفاق تلخی است چون جایگزینی برای او وجود ندارد.

بخشی از گفته‌های مدیر انتشارات اساطیر به بهانه درگذشت فریدون بدره‌ای پیشکسوت ادبیات

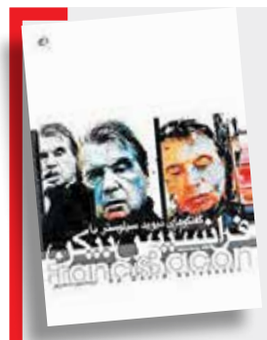

اغلب فکر می‌کنم شاید آنچه یک هنرمند را بهتر از دیگری می کند این است که حس انتقادی‌اش به خود موشکافانه‌تر است.

فرانسیس بیکن، گفت‌وگوهای سیلوستر با فرانسیس بیکن، شروین شهامی‌پور، نشر نظر

نـــگاره
نیما شاه‌میری

تابستان گرم

هنرمندان در فضای مجازی

دریکی دو روز گذشته دنیای مجازی حال وهوای خاصی داشت، پیام‌های تبریک و اظهار خوشحالی از یک افتخاربزرگ در سینمای ایران به فیلم «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی خبری که دست به دست می چرخید و مایه مسرت و خوشحالی مردم ایران بود و صفحات مجازی را به خود اختصاص داده بود، هنرمندان از منش و سعه صدر و اخلاق نیک این کارگردان بزرگ سخن گفتند و به عوامل فیلم و امیر جدیدی تبریک گفتند.

■ **فرهادی قهرمان**

آتیلا پسیانی: «اصغر فرهادی عزیز گرچه به جوایزمتعددت عادت کردیم اما هر کدام شیرینی و هیجان خودش رو داره.»

حسن فتحی: «در خلال اخبار تأسف بار و غم انگیز از مشکلات عدیده مردم در نواحی مختلف کشور، که قلب هر هموطنی را به درد می آورد خبر موفقیت فیلم قهرمان در جشنواره کن موجب خوشحالی و مسرت سینما دوستان ایرانی شد.»

پرویز پرستویی: «آقای اصغر فرهادی عزیز به‌عنوان یک ایرانی خوشحالم که شما رو داریم؛ امیر جدیدی عزیز همین‌که در این جشنواره مهم و معتبر توانستی نظر منتقدان مهم سینمایی را به خودت جلب کنی و آوازه ات در این جشنواره مهم بپیچه شک نکن که کم از نخل طلا نیست.»

طناز طباطبایی: «و قهرمان، با منش و سعه صدرش به ما آموخت بزرگی به کلام نیست، بزرگی به خلق و اخلاق است و بس.»

رویا افشار: «نام اصغر فرهادی برای ما معنای تلاش و صداقت و صبوری می‌دهد...» رضا کیانیان، گلاره عباسی، لیلی رشیدی، لیندا کیانی، رامبد جوان، نرگس آبیار، فاطمه معتمد آریا و... از دیگر هنرمندانی بودند که این خوشحالی را با مردم عزیز در میان گذاشتند.

■ **چهره‌ها**

خبر دیگر که در صفحه رسمی استاد شفیعی کدکنی منتشر شده بود اشاره داشت به روزهای بی‌آبی یا کم آبی در خوزستان. دکتر کدکنی در اینستاگرام خود نوشته: «آب، نان، آرزو» و در ادامه آورده: «کمترین تحریری از یک آرزو این است آدمی را با آب و نانی باید و آنگاه آوازی در قناری‌ها نگه کن در قفس، تا نیک دریابی کزچه درآن تنگنانشان باز شادی‌های شیرین است...»

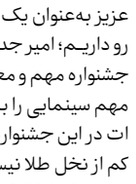

محمد اصفهانی خواننده ایرانی هم به بحران بی‌آبی در خوزستان اشاره کرده: «بحران کم آبی در استان خوزستان قطب نفتی کشور عزیزمان ایران در خشکسالی و گرمای بی‌سابقه، دست دعا بر آستان خدا پیش می‌بریم تا به خوزستان عزیز و ایران بزرگ قدرت و تدبیر لازم عطا فرماید.»

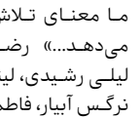

رامبد جوان به درگذشت حمیدرضا صدر اشاره کرده و نوشته: «حمید عزیز خیلی متأسفم که دیگه نمی‌تونم با تو راجع به سینما حرف بزنم، از فیلم‌هایی که دوستشون داریم و...

■ **چه خبرها؟**

افشین هاشمی بازیگر تئاتر و سینما در صفحه خود اثر جدید علیرضا قربانی با نام «زنان مثل من» را معرفی کرده و در شرح آن نوشته: «هفته‌تان را با موسیقی خوب آغاز کنید.»

رضا کیانیان دیگر بازیگر نام آشنای ایران از مستند مادرکشی صحبت کرده است. مادرکشی مستندی با پژوهش کارگردانی و نویسندگی کمیل سوهانی و تهیه کنندگی محمد شکیبانیا در سال ۱۳۹۴ به سفارش مرکز بررسی‌های نهاد ریاست جمهوری ساخته شده است. کیانیان دراین باره نوشته: «مستند مادرکشی نگاهی آسیب شناسانه به وضعیت حکمرانی آب در ایران دارد. این فیلم با رویکردی پژوهشی ضمن به تصویر کشیدن مظاهر و نتایج بحران آب، علل مختلف به وجود آمدن این بحران در ایران را بررسی می‌کند.»

■ **تازه‌های نشر**

پرویز علی‌پور نویسنده ایرانی هم از تازه‌ترین کتاب خود با عنوان «وقت هر دلتنگی» خبر داده که از سوی نشر چشمه منتشر شده است.این کتاب مجموعه‌ای است از یازده داستان کوتاه که بن‌مایه‌های همه آنها رابطه شاد و مهرآمیز مادر- دختری است.

نشر «نی» بخشی از کتاب «از مدرنیسم تا پست مدرنیسم» نوشته لارنس کهون با ویراستار فارسی عبدالکریم رشیدیان را آورده است: «همیشه با روایات در تعارض بوده است. با معیار علم اثبات می‌شود که اکثر این روایات افسانه‌اند. اما از آنجا که علم خود را به بیان قواعد سودمند محدود نمی‌کند و در جست‌وجوی حقیقت برمی آید مجبور است که به قواعد بازی خود مشروعیت ببخشد. پس علم گفتمانی از مشروعیت را در مورد جایگاه خویش، گفتمانی که فلسفه نامیده می‌شود، تولید می‌کند.»

فرهادی اولین «جایزه بزرگ» جشنواره کن را برای سینمای ایران به ارمغان آورد

غرور یک «قهرمان»

نرگس‌عاشوری
خبرنگار

شنبه شب هفتادو چهارمین دوره از جشنواره فیلم کن با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد و اصغر فرهادی با دریافت «جایزه بزرگ» این دوره از جشنواره بار دیگر هموطنانش را در شادی و غرور شریک کرد. «قهرمان» چهارمین حضور اصغر فرهادی در جشنواره کن است. تاکنون فرهادی با «گذشته»، «فروشنده» و «همه می دانند» در بخش مسابقه جشنواره کن حضور داشته است. فیلم‌های او تا امروز جایزه بهترین فیلمنامه برای «فروشنده»، بهترین بازیگر زن (برنیس بژو) برای «گذشته» و بهترین بازیگر مرد (شهاب حسینی) برای «فروشنده» را از این جشنواره گرفته است.

امیدوار به آینده درخشان‌تر او هستم

ابراهیم‌گلستان
نویسنده و فیلمساز

من از آقای فرهادی تنها یک فیلم دیده‌ام که همان برایم این کفایت را آورد که او تواناست. نه به‌زور و شلوغ بلکه قریحه و دقت در به‌کار بردن آن قریحه. امیدوارم که برایش دشوار نباشد نگهداری آن قریحه و با پشتکار آن را وسعت و قوت‌های تازه و درخور دهد. من امیدوار به آینده درخشان‌تر او هستم و آماده دریافت خبرهای فراوان‌تر از پیشرفت‌های او، که یکی از شرط‌های اساسی آن توفیق‌های مکرر است در همان محیط زندگی و کار خودش که هم در گذشته و هم در حال وضع انسانی نیرومندی دارد که حاجت به دقت دید و احتیاط دور از واهمه و همچنین اعتنای مناسب و درخور داشتن نسبت به مهمل گوهای گوناگون. من امید فراوان دارم به ادامه توفیق و پشتکار او و بی‌اعتنایی به تقلب‌ها و فریب‌هایی که سر راه او خواهند آورد و خواهند گذاشت که همواره باید به هر ترتیبی که بشناسد از خود دور کند. صاحبان این تقلب‌ها نه کم‌اند و نه بی‌کوشش. امیدوارم که او یا آنها را نبیند یا درست ببیند و درست علاج کند نکبت حضور و وجود آنها را.

این توفیق بزرگ برای سینمای ایران مبارک باشد

علی نصیریان
بازیگر پیشکسوت

اصغر فرهادی نمونه‌ای است از انسان‌های خلاق که در هر دوران و زمانی در ایران بوده‌اند و هستند. هنر و فرهنگ این مملکت را سرافراز کرده‌اند. فرهادی آفریننده‌ای خودجوش است. به امید این که بتواند همواره در مملکت خودش فیلم بسازد و خلاقیت‌های خود را ابراز کند. هنر موانع و مشکلات را برنمی‌تابد و چون آب هر جا باشد نفوذ می‌کند. این توفیق بزرگ برای سینمای ایران مبارک باشد.

روش‌هایی برای انتخاب کتاب خوب:

گویم سخن فراوان با آنکه بی‌زبانم...

چرخ و فلک

زهره نیلی
روزنامه‌نگار

بهتر است بپذیریم همچنان پدر و مادرها و در کل بزرگ ترها هستند که برای خردسالان و حتی کودکان کتاب تهیه می‌کنند و حتماً اتفاق افتاده که برای فرزند خود کتابی گرفته‌اند و او خواندن کتاب را شروع کرده وبعد متوجه شده که دوستش ندارد؟ یا خواندن کتاب برایش سخت بوده؟ اصلاً تا به امروز دلتان خواسته کتابی با یک موضوع خاص برای کودک خود تهیه کنید اما ندانید چه‌طور و کجا دنبالش بگردید؟ یا اینکه کتابی را انتخاب کنید وبعداً متوجه شوید مناسب سن فرزندتان نبوده است؟ پس بیایید با هم روش‌هایی را مرور کنیم که به انتخاب کتاب بهتر می‌انجامد.

■ **کتاب باید ساده باشد**

خواندن کتاب‌های ساده، نخستین قدم برای علاقه‌مند کردن فرزند شما به کتابخوانی است. پس کتاب‌هایی را انتخاب کنید که کوچک و کم‌برگ هستند. اصلاً هیچ دلیلی وجود ندارد که هرچه کتاب پربرگ‌تر و ضخیم‌تر باشد، بهتر است.

■ **خلاصه کتاب را بخوانید**

خلاصه بعضی از کتاب‌ها، پشت جلد آن نوشته شده. بعضی کتاب‌ها هم مقدمه یا پیشگفتار دارند اما اگر نه مقدمه‌ای داشتند و نه چیزی پشت جلدشان نوشته شده بود می‌توانید چند صفحه از کتاب را بخوانید تا موضوع دست‌تان بیاید و با توجه به علاقه و سلیقه فرزندتان متوجه شوید کتاب را دوست دارد یا نه؟

■ **رده سنی کودک خود را بدانید**

سال‌هاپیش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رده سنی فرزند شما را با «الف»، «ب»، «ج»، «د» و «ه» مشخص کرده است. پشت جلد هر کتاب یا صفحه اول آن نوشته شده که این کتاب برای کدام رده سنی است؛ پس اول رده سنی دختر یا پسر خودتان را بدانید و بعد کتاب دلخواهش را انتخاب کنید.

■ **به نام و نشان ناشر توجه کنید**

مهم است کتابی را که می‌خرید کدام ناشر منتشر کرده؛ به این دلیل که ناشران خوب، کارهای خواندنی و ارزشمند را انتخاب و چاپ می‌کنند. بعضی از ناشرها، فقط کتاب کودک و نوجوان منتشر می‌کنند. پس بهتر است اسم ناشران خوب را بدانید و برای خرید کتاب، سراغ آنها بروید.

■ **پرسیدن، خجالت ندارد**

یک روش دیگر برای انتخاب کتاب خوب، پرسیدن است. حتی شما می‌توانید از دوستان و اطرافیان کتابخوان خود یا از فروشنده‌های تخصصی کودک بپرسید چه کتابی خوب است و ارزش خواندن دارد. ممکن است یک کتاب را چند نفر ترجمه و چند ناشر منتشر کرده باشند و این پرس و جو به شما کمک می‌کند به سراغ ناشر و مترجم بهتر بروید. حالا که کتاب دلخواه فرزند خود را انتخاب کردید خوب است به او یادآور شوید که حتی پدر و مادر و بزرگ‌ترها هم گاهی باید به لغتنامه سر بزنند تا معنی بعضی کلمه‌ها را بدانند. بنابراین، خجالت را کنار بگذارند و حتماً معنی کلمه یا کلمه‌هایی را که نمی‌دانند، از مامان و بابا یا خواهر و برادر بزرگ‌ترشان بپرسند. حتی می‌توانید به آنها بگویید بزرگ‌ترکه شدند، می‌توانند از لغتنامه استفاده کنند. یعنی از همان کتاب یا نرم‌افزاری که معنی همه کلمه‌ها در آن نوشته شده و بهترین و کامل‌ترین را استاد محمد معین و علی‌اکبر دهخدا نوشته‌اند.

■ **باهم از کتاب بگویید**

بهتر است بچه‌ها سر فرصت و آرام آرام کتاب بخوانند؛ مثلاً هر شب ۲ صفحه کافی است؛ این‌طوری درباره کتاب فکر می‌کنند و می‌توانند حدس بزنند که قهرمان داستان چه کار می‌کند و سرانجام داستان چه می‌شود. تازه آرام آرام خواندن کتاب باعث می‌شود، زمان کافی داشته باشند تا درباره آنچه خوانده‌اند با مامان و بابا صحبت کنند. این کار به آنها کمک می‌کند هم داستان را بهتر و بیشتر متوجه شوند هم اشتیاق بیشتری به خواندن داشته باشند.

■ **ازیارمهربان خود مراقبت کنند**

به بچه‌ها بگویید کتاب چه دوست خوبی است و به آنها یاد دهید چطور از دوست خوب خود مراقبت کنند. از آنها بخواهید حتماً کتاب‌شان را پیش از خواندن جلد کنند. راستی برای اینکه یادشان بماند تا کجای کتاب را خوانده‌اند، می‌توانند از «نشانه» استفاده کنند و سر صفحه‌ها را تا نزنند. پس از خواندن هم، کتاب را روی میز تحریر یا سر جایش بگذارند راستی اگر جمله‌ای از کتاب برایشان جالب بود، می‌توانند با مداد، کنار همان پاراگراف یا جمله، علامت کوچکی بگذارند.

با انتشار ۶ کتاب در حوزه نمایش

انتشارات ناظرزاده کرمانی آغاز به کار کرد

پیشنهاد

سعید مدنی فلاح
نمایشنامه‌نویس

انتشارات ناظرزاده کرمانی که به‌تازگی با مدیرمسئولی نظر احمدی به شکل رسمی وارد بازار کتاب ایران شده کار خود را با انتشار ۵ نمایشنامه کلید زده است و این می‌تواند امیدی باشد برای انتشار هر چه بیشتر متون نمایشی و پر شدن خلأ موجود. بیشتر آثاری که قرار است در این انتشارات منتشر شوند کتاب‌هایی شناخته شده اند در عرصه نمایش که برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه می‌شوند و از جمله می‌توان به نمایشنامه مشهور ولادیمیر مایاکوفسکی به نام «میستری بوف» اشاره کرد که توسط زنده‌یاد مجید فلاح‌زاده ترجمه شده است. از این نویسنده و مترجم همچنین دو اثر دیگر در این مجموعه منتشر شده است که شامل ترجمه نمایشنامه «تراژدی خوشبینانه» نوشته وسفلاد ویشنفسکی و کتاب «دوران طلایی تئاتر» است. دوران طلایی تئاتر که برگردانی از زبان انگلیسی است توسط کنت مک گوئن، ویلیام ملنتزو گوردن آرمسترانگ به رشته تحریر درآمده و همان‌گونه که مترجم در پیشگفتار اثر ذکر کرده، این کتاب «از نخستین کتاب‌های تاریخ تئاتر نسبتاً جامع ترجمه شده به زبان فارسی است که به تحولات تئاتری غرب در معنای جغرافیایی آن می‌پردازد» نویسندگان این کتاب در واقع به مهم‌ترین ادوار تاریخ تئاتر جهان پرداخته‌اند و خواندن آن می‌تواند بویژه برای دانشجویان رشته تئاتر بسیار مفید باشد. از دیگر کتاب‌های منتشر شده در این مجموعه هم می‌توان به نمایشنامه مشهور «مرگ تصادفی یک آنارشیست» اشاره کرد که توسط نویسنده مطرح ایتالیایی، داریو فو نوشته شده است. نکته جالب توجه در رابطه با این ترجمه که توسط پروفسور حسین اسماعیلی تعزیه پژوه و استاد دانشگاه سوربن جدید انجام گرفته، این است که این برگردان در واقع نخستین ترجمه از این نمایشنامه مشهور و شناخته شده در ایران است که طبق توضیحات اسماعیلی در آغاز کتاب «مترجم این نمایشنامه را در سال ۱۳۵۸ به فارسی ترجمه کرد و در سفر تابستانی دوران دانشجویی خود متن را به همبازی‌ها و دوستان خود آقایان علیرضا مجلل، فردوس کاویانی و رضا ژیان سپرد تا آن را به صحنه آورند.» اما پس از اجرای این نمایش توسط نامبردگان، متن آن هرگز به انتشار نمی‌رسد تا این که پس از چند دهه برای چاپ در اختیار انتشارات ناظرزاده کرمانی قرار می‌گیرد. سعید فرهودی مترجم کهنه‌کار آثار نمایشی که در کارنامه خود ترجمه تاریخ تئاتر سیاسی زیگفرید ملشینگر و تاریخ تئاتر کیندرمن را برعهده دارد نیز ترجمه نمایشنامه‌ای با عنوان «اثر ناتمام» نوشته ساموئل بکت را برای چاپ و انتشار در اختیار این انتشارات قرار داده است. اما آخرین اثر از شش کتاب مذکور نمایشنامه‌ای است به نام «اوقات سگی یا پیام، دقیق به ما رسیده است» نوشته نظر احمدی. این اثر نمایشی که از دو شخصیت (یک زن و یک مرد) تشکیل شده دارای زیرساختی اجتماعی است و به چالش‌های یک نویسنده روشنفکر در جامعه‌ای بسته اشاره دارد، شاید این جمله آنتونن آرتو در آغاز نمایشنامه تا حدی بیانگر آن باشد که با چه نوع اثری روبه‌رو هستیم «نه، ونگوگ دیوانه نبوده، بلکه توسط جامعه‌ای که کارهایش را نفی کرد، به خودکشی سوق داده شد.»

با هم به فردایی بهتر می‌اندیشیم

یادداشت

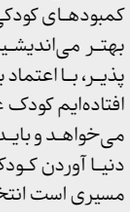

رضا بیات
کارگردان تئاتر

صدای توپ بود و موشک، جعبه جادو را که باز می‌کردی خبر از جنگ بود و کوچه‌ها پر از حجله و پرده عزا. پدران و مادرانی که درگیر تأمین نیازهای اولیه کودکان بودند و سیرکردن شکم‌مان را شکستن شاخ غول می‌دانستند. اگر می‌خندیدیم متهم بودیم به دیوانگی و بی‌خیالی، زشت بود جلوی بزرگ‌ترها خندیدن و بازی کردن، آدم بزرگ‌ها آن موقع اعصاب شان را لای مشکلات و مصایب‌شان گم می‌کردند و بی‌اعصاب به خانه می‌آمدند.

سکوت یاد گرفتیم و خودخوری. جنگ تمام شد، شیرینی‌اش را هم خوردیم اما همان دوران بعدها باز در گوش کودکی‌مان زمزمه کردند اگر پابه‌پای بزرگ‌ترها کار نمی‌کنیم لااقل باری بر دوش‌شان نباشیم؛ نتیجه‌اش شد آدم بزرگ‌هایی که اینک هستیم. بچگی نکرده‌هایی پر از استرس که اعتماد به‌نفس برایمان تعریف نشده است، با حس رها شدگی عجیبی که لای حسرت‌ها و نداشتن‌ها و نبودن‌ها موج می‌زند. سال‌ها گذشت، عده زیادی از آن نسل، حالا پدر یا مادر شده‌ایم.

تحصیل کرده‌ایم، به مدد مدیا و اینترنت با دنیا آشنا شده‌ایم. می‌دانیم روانشناسی چیست، فهمیده‌ایم کودک نیازهایی دارد فراتر از جای خواب و لقمه نانی برای خوردن و تکه لباسی برای پوشیدن. ما همه با هم فهمیده‌ایم بسیاری از مشکلات جامعه از لحاظ قواعد اجتماعی و رفتاری، برآمده از همان محدودیت‌ها و کمبودهای کودکی است. ولی همه با هم به فردایی بهتر می‌اندیشیم، به آدم بزرگ‌هایی مسئولیت پذیر، با اعتماد به‌نفس، آرام، منطقی و آگاه. به‌فکر افتاده‌ایم کودک غذای روحی می‌خواهد، غذای روان می‌خواهد و باید برایش تأمین کنیم، دانسته‌ایم به دنیا آوردن کودک یک امر طبیعی محض نیست، مسیری است انتخابی که تأثیرش بر خانواده، جامعه، کشور و جهان بر هیچ کس پوشیده نیست.

بعد از گذشت سالیان سال، تاریخ باز تکرار شده، این بار به نحو دیگری، باز هم ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند که آدم بزرگ‌ها عصبانی و تحت فشار باشند. شرایط اقتصادی، کرونا، تغییر وضع طبیعت و فشارهای روانی، خانواده‌ها را درتنگنا قرار داده. حالا تصمیم با ماست، می‌توانیم همان مسیر اشتباهی را که برای ما پیموده شده بود، بپیماییم یا بیشتر به فکر دلبندانمان باشیم، نگذاریم شرایط معیشتی و استرس‌های زندگی بر روان کودکانمان تأثیر منفی بگذارد، به فکر شادی، خنده، آموزش و تفریح فرزندانمان باشیم.

آنها مسئول این شرایط نیستند، دلیلش کم و بیش خود ما هستیم. دکمه قرمز کنترل تلویزیون را بزنید و خاموشش کنید، دست فرزندتان را بگیرید و از این دیوارهای قفس‌وار بیرون بزنید. پارک بروید و همبازی کودکانتان شوید. سالن‌های تئاتر ویژه کودکان را پیدا کنید. همه جا هستند. در هر شهری، با کودکتان کودکی کنید. در سالن تئاتر کودک ما بیشتر از هر موقعیت دیگری غرق در تخیل و فانتزی و دنیای رنگی و شاد کودکانه می‌شود. رودرروی شخصیت‌های خیالی و طناز، نفس به نفس فانتزی. کجا می‌توانیم چنین مکانی را بیابیم که فرزندمان بیشتر از هر زمانی شریک در دنیای پر از رنگ، نور، شادی و خیال شود؟ جایی که خودمان هم بتوانیم فارغ از اوضاع جهان، زخم‌های دوران کودکی‌مان را بهبود بخشیم.

تئاتر بالفعل مجموعه‌ای است از داستان کتاب‌ها، جذابیت فیلم‌ها، تفریح و سرگرمی بازی‌ها، آموزش‌های درس‌ها، محبت پدرها و مادرها و خواسته بچه‌ها. آنچه همه خوبان دارد، تئاتر کودک یکجا دارد. سؤال کنید، از خانواده‌هایی که فرزندان شان تماشاگران مداوم نمایش هستند، چقدر اجتماعی‌تر، آرام‌تر، خوشفکرتر، شادتر و بانشاط تر هستند. از ۱۶۸ ساعت هفته، یک ساعتش را وقت بگذاریم برای دل کودکانمان. چه چیزی زیباتر از خنده‌های قاه قاه کودکانه در سالن نمایش؟

عکس نوشت

این روزها که اغلب مناطق کشورمان در شرایط نامطلوبی از بابت شیوع بیماری کرونا به‌سر می‌برند کمیته فرهنگ شهروندی شهرداری دست به کار جالبی زده است. این کمیته با راه‌اندازی مانوری با موضوع «مراقب همدیگریم، ماسک می‌زنیم» در چهارراه‌ها و مسیرهای پرتردد، مردم را به استفاده از ماسک و رعایت ملزومات تشویق می‌کند./ خبرگزاری صدا و سیما